

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

انجنیر سید مختار "دریا"
۱۹ می ۲۰۲۰



ای خداوند کریم و ذوالجلال

ای خداوند کریم و ذوالجلال
من که کشتم قاتلی را با کدال
روی پلوان کُشت بابای مرا
کشتمش چون کس مرا یاری نکرد
حال من چون قاتلم در پیش تو
می برندم سوی دوزخ بهر چی؟
اندرین جا یک سوالی داشتم
اندران حالت که کشتم بنده ات
ای خداوند کریم و متعال
پس چرا دستم نه بگرفتی ز پشت
پس تو می دیدی که من قاتل شدم
این زمان چون سوی نارم می بری
شیخ با دینار بفروشد، جنان

واقف از پنهان حرام و هم حلال
انتقامم را گرفتم بی مجال
غصب کرده خانه و جای مرا
هر کجا رفتم مددکاری نکرد
مجرم و آدم کُشم در پیش تو
این غل و زنجیر برپا بهر چی؟
عرض حالی و مقالی داشتم
تو کجا بودی که می گفت بنده ات
ده نجاتم چونکه می میرم به حال
خواستی مجرم شوم با هفت پشت
خاموشی کردی و من قاتل شدم
این بهشت و دوزخت شد سرسری
این عیان باشد نه پنهان و نهان

لیک اینجا گوشه کار است لنگ من شدم مجرم دلم گردید تنگ
زود سوی دوزخم بر چونکه من خسته ام زاین حال واحوال و درنگ
من شنیدم چونکه آنجا عالمی ست! نی عزا داری و نی هم مامی ست
زندگان ما عزا داری کنند بهر اموات گریه و زاری کنند
خرج و برج و دیگ و کاسه هفت روز بهر خویش و قوم، نی بر پینه دوز
سفره رنگین و انواع غذا پر خوری گردیده اصل مدعا
آن امام مسجد و آن روضه اش بارها تکرار خواند روضه اش
وقت رفتن پاکتی در جیبکش می گذارد مرده دار در جیبکش
نیست لازم لحن او ابلیس وار اشکهایش گشته بر رویش قطار
هر شب جمعه بساط خورد و نوش تا چهل روز است برپا عیش و نوش
هست در فرجام مدیون قرضدار مرده داران در عذاب بی شمار
تابکی این عرف و عادات کهن می کشد مارا به گرداب محن
تا بکی بر دوش ما باشد سوار شیخ کج فهم زمان و بی وقار
چون به دانش می رسد هر رهروی نیست فرماتبر به رأی کجروی
می شود بازار شان سرد و کساد حرفهای شان چو گرد باد
ای وطنداران انیس هم شوید غمشریک و زخم را مرهم شوید
برکنید از ریشه هر نخل نفاق الحذر از هر نفاق و از شقاق
خون ما یک رنگ در این میهن است وحدت ما خار چشم دشمن است

گفت دریا این مقالش با خروش

تا که آرد جمع غافل را به هوش

"مختار دریا" ۹ می ۲۰۲۰ کانادا